

درس 2

«جهان ممکنات»

سوال؟

آیا موجودات این جهان چه متناهی و چه نامتناهی، می توانسته اند نباشند؟

ما در این درس می‌خواهیم با نظر فیلسوفان در باره امکان و ضرورت این جهان آشنا شویم و برخی دیدگاه ها در باره این سوال را با هم مقایسه کنیم.

برای پاسخ به سوال فوق ضروری به سه نوع رابطه توجه شود؛ به قضایای زیر دقت کنید:

الف- «عدد چهار زوج است» ب- «خریزه میوه شیرینی است» ج- «مثلث دایره است»

در قضایای ذکر شده به این سوالات ساده پاسخ دهید:

1- کدامیک حتما هست؟

2- کدامیک حتما نیست؟

3- کدامیک می تواند باشد می تواند نباشد؟

پاسخ:

قضیه الف حتما و ضرورتاً هست و هر چهاری زوج است

قضیه ب ممکن است خریزه شیرین باشد ممکن است نباشد

قضیه ج حتما نیست

بنابراین: سه نوع رابطه بین محمول و موضوع قضایا وجود دارد؛

1- رابطه ضروری: محمول برای موضوع ضروری و حتمی است، چون ذاتی موضوع خود است

2- رابطه امکانی: محمول برای موضوع ممکن است

3- رابطه امتناعی: محمول برای موضوع غیر ممکن است

حال رابطه میان قضایای زیر را مشخص کنید:

الف- «گل خوشبو است» ب- «مثلث سه ضلعی است» ج- «عدد 8 فرد است»

الف-پاسخ:..... ب-پاسخ:..... ج-پاسخ:.....

نکته: رابطه وجود با موضوع های مختلف

اگر محمول «وجود» باشد، رابطه بین محمول با موضوع یا :

الف- واجب الوجود است، که محمول برای موضوع «حتمی و ضروری» است

مانند: خداوند موجود است

ب- ممکن الوجود: رابطه محمول با موضوع، «ممکن» است؛ مانند همه واقعیت های عالم

مانند: «گل موجود است»

ج- ممتنع الوجود رابطه محمول با موضوع، «غیر ممکن» است؛ مانند: «شریک خداوند موجود است»

تقسیمات دیگر ↓

واجب الوجود بر دو قسم است 1- واجب الوجود بالذات 2- واجب الوجود بالغير

ممکن الوجود فقط بالذات است

ممتنع الوجود بر دو قسم است: 1- ممتنع الوجود بالذات 2- ممتنع الوجود بالغير

ممکن الوجود ماهیتی است که نسبت به وجود، حالت امکانی دارد یعنی با هستی و نیستی حالت تساوی دارد و اگر بخواهد «هست» شود نیاز به علتی دارد که آن را از حالت تساوی خارج کند؛ مثلاً ما در باغچه منزل خود می توانیم گل داشته باشیم یا نداشته باشیم اگر علل پیدایش گل حاضر شود، (آب، خاک، بذر، آفتاب و مراقبت) گل به وجود می آید و وجودش ضروری می شود در این صورت به گلی که در باغچه روئیده واجب الوجود می گویند اما چون وجود از ناحیه خودش نبوده، می شود واجب الوجود بالغير (غیر همان علت تامه) است.

اما واجب الوجود بالذات آن است که ضرورت وجود برایش از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی (علت).

حکما خداوند را واجب الوجود بالذات می نامند زیرا خداوند علت العلل است و خود نیاز به علت ندارد.

حال در باره همان گل، اگر حتی یکی از علت های پیدایش گل حاضر نباشد (آب، خاک، بذر، آفتاب و مراقبت)، در این صورت، ضرورت وجود نمی یابد و اصطلاحاً گفته می شود ممتنع الوجود، اما چون این امتناع از ناحیه خودش نیست بلکه به خاطر حاضر نشدن علت (غیر) است، به آن ممتنع الوجود بالغير گفته می شود.

اما گاهی فرض وجود برای چیزی، محال عقلی است، در این صورت به آن ممتنع الوجود بالذات گفته می شود. مانند شریک الباری - یا اجتماع نقیضین - یا مثلث دایره (توجه ممتنع الوجود مصداق ندارد)

حکما تمام واقعیت های جهان خارج را ممکن الوجود می نامند.

پس: واجب الوجود بالغير، ممکن الوجود بالذاتی است که علتش به آن هستی داده و ممتنع الوجود بالغير ممکن الوجود بالذاتی است که هنوزش علتش حاضر نیست.

دقت در یک سوال پر تکرار شما دانش آموزان

آیا ماهیتی می تواند هم واجب الوجود باشد هم ممکن الوجود؟

پاسخ: بله چون ذاتاً ممکن الوجود بوده از این حیث «ممکن الوجود بالذات» است و در عین حال چون اکنون به دلیل حضور علتش هست شده، «واجب الوجود بالغير» نیز هست.

به مثال توجه کنید: «دیوار خانه ما سفید است» رابطه سفید بودن با دیوار خانه امکانی است؛ یعنی می تواند سفید باشد یا نباشد؛ اما اگر گفتیم «دیوار خانه ما سفید شد»، دیگر سفید بودن برای دیوار ضرورت پیدا کرده و واجب شده اما واجب الوجود بالغير

ذاتاً ممکن الوجود و در عین حال واجب الوجود بالغير

بیشتر بدانیم:

1- ممکن الوجود: آن است که ذاتاً نسبت به هستی و نیستی حالت تساوی دارد یعنی نه اقتضای وجود دارد و نه اقتضای عدم

ممکن الوجود بالذات : اگر علت تامه به وجود آمدنش حاضر شد دیگر نمی تواند نباشد پس با حضور علت، وجودش واجب می شود که در این صورت «واجب الوجود بالغير» است زیرا خودش ذاتاً هست نشده بلکه به وسیله غیر «علتش» تحقق پیدا کرده است، حال اگر علت آن موجود نباشد وجودش ممتنع است اما ممتنع بالغير نه ممتنع بالذات

توجه: ممکن الوجود بالغير نداریم زیرا تساوی نسبت به هستی و نیستی ارتباطی با غیر ندارد و ناشی از ذات است ممتنع الوجود بالغير نبودنش ذاتی نیست و عقلاً محال نیست اما چون علتش فعلاً نیست ممتنع است؛ بنابراین این ممتنع الوجود بالغير است یعنی ممکن الوجودی که هنوز علت تحققش یافت نشده است

2- واجب الوجود بالذات: آن است که وجود برایش ضروری است و زمانی نبوده که نباشد و این ضرورت ذاتی اوست

3- ممتنع الوجود بالذات: آن است که نبودنش ذاتی است و عقلاً محال است که هست شود

مباحث ترکیبی منطق دهم با مبحث مواد ثلاث:

نسبت های چهار گانه در مواد ثلاث:

نسبت بین ممکن الوجود بالذات و بالغيرها ، یعنی واجب الوجود بالغير و ممتنع الوجود بالغير ، عام و خاص مطلق است به عام بودن ممکن الوجود بالذات

نسبت بین بالذات ها تباین است یعنی نسبت بین واجب الوجود بالذات و ممتنع الوجود بالذات و ممکن الوجود بالذات

نسبت بین واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغير ، تباین است

نسبت بین ممتنع الوجود بالذات و ممتنع الوجود بالغير تباین است

نسبت بین واجب (واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغير) و ممکن الوجود بالذات، عام و خاص من وجه است

نکته مهم:

الف- چنانچه رابطه بین موضوع و محمول «امکانی» باشد با تغییر «نسبت یا کیفیت» ، قضیه همچنان امکانی خواهد بود

ب- چنانچه نسبت بین موضوع و محمول «ضروری» باشد و نسبت تغییر کند به «امتناعی» تبدیل می شود

ج- چنانچه نسبت بین موضوع و محمول «امتناعی» باشد و نسبت تغییر کند، «ضروری» خواهد شد

-جواز واجب الوجود شدن ممکنات از دیدگاه فارابی و ابن سینا این است که ، رابطه امکاتی ممکن الوجود بالذات با محمول وجود، جواز واجب شدن آن است .

توضیح: ممکن الوجود ذاتاً نسبت به وجود(هستی) و عدم(نیستی) حالت تساوی دارد و برای هست شدن نیازمند علتی بیرون از ذات خود است تا به آن وجود و هستی دهد و در اصطلاح «واجب الوجود بالغیر» شود، که غیر همان علت تحقق وجود ممکن است در حالی که در دو حالت دیگر یعنی «واجب الوجود بالذات» که وجود برایش ضروری است و «ممتنع الوجود بالذات»، که ذات آن مساوی با نیستی و عدم است، این جواز به دست نمی آید.

مهم : یک اصل فلسفی مهم مرتبط با این مبحث، اصل «ترجیح بلامرجح عقلاً محال است» می باشد؛

ترجیح ← خارج شدن از حالت تساوی نسبت به هستی و نیستی و رفتن به طرف هستی (موجود شدن)

بلا مرجح ← بدون علت بیرونی «علت تامه»

پس اگر پرسیده شود:

این مفهوم وجود دارد؟

اگر بگوییم دارد ← واجب اگر بگوییم ندارد ← ممتنع

و اگر پرسیده شود:

این مفهوم برای وجود داشتن علت می خواهد یا نه؟

اگر بگوییم می خواهد ← بالغیر اگر بگوییم نمی خواهد ← بالذات

توجه: پس یک واقعیت خارجی به سبب این که ذاتاً نسبت به هستی و نیستی حالت تساوی داشته، «ممکن الوجود بالذات» نامیده می شود و از این حیث که به دلیل حضور علت تامه ی خود، الان هست شده، «واجب الوجود بالغیر» است.

سوالاتی از درس:

1- چه کسی «مغایرت وجود و ماهیت» را به خوبی تبیین کرده و از این بحث در توضیح چه مفهومی استفاده می کند؟

پاسخ:

ابن سینا و در توضیح ممکن الوجود استفاده می کند.

2- پیش از ابن سینا کدام فلاسفه به «مغایرت وجود و ماهیت» اشاره کرده بودند؟

پاسخ: ارسطو و فارابی

3- ابن سینا ممکن الوجود را چگونه تعریف می کند؟

پاسخ:

ابن سینا می گوید وقتی به «ذات» و ماهیت اشیا پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه «امکانی» برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیا به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین به گونه ای نیست که بودن آن ها محال باشد. این اشیا «ذاتاً» می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیا ممکن الوجودند.

4- آیا ممکن الوجود بالذات، می تواند بدون علت و خود به خود از حالت امکانی خارج شود؟

پاسخ: خیر ابن سینا می گوید: چیزی که ذاتاً نسبت به وجود حالت امکانی دارد، نمی تواند خود به خود از حالت امکانی خارج شود و موجود شود. به عبارت دیگر این اشیا که ذاتاً ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و چون ماهیتاً و ذاتاً واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر باید به آن ها وجود ببخشد.

اصطلاحاً گفته می شود: «ترجیح بلا مرجح محال است» (یعنی خارج شدن از حالت تساوی بدون مرجح یا عامل بیرونی)

مثال: حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه ای بر کفه دیگر ترجیحی ندارد حال اگر یکی از کفه ها به طرف پایین کشیده شود، عقلاً محال است که این حالت خود به خود و بدون هیچ علتی باشد.

5- اگر اشیا این عالم (انسان، گیاه، حیوان و...) ممکن الوجود بالذات هستند، چگونه از حالت امکان خارج می شوند؟ (یعنی واجب الوجود بالغیر می شوند) پاسخ ابن سینا را بنویسید. (برهان ابن سینا در اثبات واجب الوجود بالذات)

پاسخ:

ابن سینا می گوید: «اشیا» جهان چه محدود و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آن ها را نسبت به وجود، از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آن ها ضروری و واجب نماید؛ بنابراین این اشیا جهان «واجب الوجود بالغیرند» که برای «هست» شدن نیاز به «واجب الوجود بالذات» دارند.

6- واجب الوجود بالذات چیست؟

پاسخ: همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خودش است نه از ناحیه یک امر بیرونی.

7- آیا بی نهایت شدن تعداد اشیا جهان، نیازشان به واجب الوجود بالذات را برطرف می سازد؟ ابن سینا از آن چه نتیجه ای می گیرد؟

پاسخ: خیر بلکه آن ها را همچنان نیازمند نگه می دارد.

ابن سینا نتیجه می گیرد که واجب الوجود بر دو قسم است:

1- واجب الوجود بالذات 2- واجب الوجود بالغیر

8- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او در باره موجودات جهان چیست؟

پاسخ: موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشأت گرفته اند.

فعالیت های درس 2

● تمرین صفحه 10

الف-

- 1- این رابطه ضروری و واجب است
- 2- این رابطه ممکن است و ضروری برای هر مثلثی نیست
- 3- این رابطه ممتنع است

ب-

- رابطه ضروری ← انسان حیوان ناطق است
رابطه امکانی ← دیوار سفید است
رابطه امتناعی ← مثلث چهار ضلعی است
تعیین رابطه:

الکتریسته	انرژی	پرنده	روح	دریای جیوه	فرشتگ ان	شریک خدا	خدا	دی و	سیاه سفید	سوختن	مهربانی	خاک
امکان	امک ان	امک ان	امکا ن	امک ان	امکان	امتناع	ضرر ورت	ام ک ان	امتن اع	امکان	امکان	امک ان

تفکر:

- 1- پاسخ منفی است زیرا اگر چیزی به نحو ذاتی از چیزی منفک باشد نتواند با آن جمع شود و در عین حال بخواهد با آن جمع شود، اجتماع نقیضین پیش خواهد آمد که امری محال است.
- 2- پاسخ دوم هم منفی است زیرا اگر رابطه وجود با چیزی ضروری باشد نتوان وجود را از آن منفک کرد، بدان معنی است که آن چیز همواره موجود است و در هیچ برهه ای از زمان ، وجود از او جدا نمی شود

فعالیت سوم سه بند دارد:

- 1- در بند اول کلمه «واجب»
- 2- در بند دوم کلمه «ممکن»
- 3- در بند سوم کلمه «ممتنع» قرار می گیرد

به کار ببندیم:

این فعالیت شامل سه قسمت است

در قسمت 1 مجموعه ای از مفاهیم در دو ردیف قرار گرفته اند که نوعی ارتباط با هم دارند. شما باید مفاهیم مرتبط با هم در این دو ردیف را بیابید و قضیه ای موجه یا سالبه با آن ها بسازید؛ مثلاً کسی می تواند بنویسد:

● مثلث سه ضلع دارد : و جواب

● جهان نابود می شود: ممتنع (کسی که به خدا اعتقاد دارد، می داند که جهان تغییر می کند اما نابود نمی شود. همچنین اگر نابود شدن به معنی معدوم و نیست شدن باشد، جهان چون عین بودن است، به نبودن و نیست شدن تبدیل نمی شود.)

● مربع چهار ضلع دارد: «و جواب»

● پیراهن حسن آبی است: «امکان»

● عدد سه زوج است: «امتناع»

در قسمت 2 سوال طرح شده یک پیچ کوچک دارد، زیرا در سوال آمده که «آیا موجودات عالم را می توان به واجب و ممکن تقسیم کرد؟

می دانیم هر موجودی وجودش برایش ضروری است و الا موجود نبود؛ حال ضرورت یا بالذات است یا بالغیر؛

اما اگر نگاه به ذات و ماهیت موجود کنیم، موجودات عالم را می توان به دو دسته ممکن بالذات و واجب بالذات تقسیم کرد.

البته این ممکن بالذات چون اکنون موجود است، واجب بالغیر شده است پس موجودات عالم را از آن جهت که موجودند، به دو دسته واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر تقسیم می کنیم. اما همین موجودات را از نظر ذاتشان به دو دسته ممکن الوجود و واجب الوجود تقسیم می کنیم.

● در پاسخ به سوال قسمت سوم می گوییم که هر سه حالت می تواند صحیح باشد زیرا اگر چیزی را در ذهن خودمان بیاوریم و در نظر بگیریم، اما در خارج آن را نیابیم، می تواند بدان جهت باشد که ذاتاً ممتنع الوجود است؛ مانند شریک خدا

همچنین می تواند بدان جهت باشد که علت آن پیدا نشده تا آن را از حالت امکان خارج کند و به وجود بیاید.

تست های درس 2

1- رابطه امکانی رابطه ای است که عقل

1- از قبول خلافتش ابا دارد

2- از قبول خود آن ابا دارد

3- نه از قبول خود آن ابا دارد نه از قبول خلافتش

4- هم از قبول خود آن ابا دارد و هم خلافتش

2-ارتباط محمول با موضوع در قضایای حملی به انحصار عقلی محصور دراست و لا اقتضاء بودن محمول برای موضوع مسئله یرا محقق می سازد.

1- ایجاب و سلب و کم و کیف- امکان

2- ایجاب و سلب و کم و کیف- امتناع

3- وجوب و امکان و امتناع- امکان

4- وجوب و امکان و امتناع- امتناع

3- در بحث مواد ثلاثه ی فلسفه ی اسلامی، رابطه ی حاکم میان انسان و ده متر قد داشتن کدام است؟

1- احتمال 2- امکان 3- امتناع 4- ضرورت

4- به رابطه ی موضوع و محمول در قضایای «هر معلولی علتی دارد»، «از علت واحد به غیر از معلول واحد صادر نمی شود» کدام رابطه صدق می کند؟

1- امکان- امکان 2- امکان- امتناع 3- ضرورت- امکان 4- ضرورت- ضرورت

5- با توجه به بحث مواد ثلاث (تقسیمات وجود) کدام عبارت نادرست است؟

1- هر ماهیتی ممکن الوجود است

2- هیچ واقعیتهای ممتنع الوجود نیست

3- ممتنع الوجود مانند واجب الوجود یک مصداق بیشتر ندارد

4- همه واقعیات ذاتاً یا ممکن الوجودند یا واجب الوجود

6-تقسیم قضایای حملی بر اساس مواد سه گانهاست؛ یعنی... (خارج 92)

1-منطقی-منطق دانان این سه نوع رابطه را میان موضوع و محمول وضع کرده اند

2-استقرایی-بر اساس استقرا مشخص شده که حالت دیگری ندارد

3-حصص عقلی- نمی توان حالت چهارمی برای آن تصور کرد

4-تجربی- ذهن حالت دیگری را تجربه نکرده است

7-کدام عبارت نادرست است؟ (سراسری 94)

1-هر ماهیتی ممکن الوجود است

2-هیچ واقعیتهای ممتنع الوجود نیست

3-ممتنع الوجود مانند واجب الوجود یک مصداق بیشتر ندارد

4-همه واقعیات یا ذاتا ممکن الوجودند یا واجب الوجود

8-کدام عبارت مفهوم «ممتنع الوجود» را دقیق تر توضیح داده است؟ (خارج 96)

1-مفهومی که تصور آن غیر ممکن است

2-آنچه که حمل هستی بر آن ممکن نیست

3-چیزی که هرگز وجود نداشته و نخواهد داشت

4-آنچه که فقط وجود خیالی یا فرضی داشته باشد

9-کدام مورد ممتنع الوجود است؟ (سراسری 98)

1-اسب آتش خوار 2-انسان هفت سر بالدار

3-دایره منتظم الاضلاع 4-فیلی به اندازه مورچه

10-کدام عبارت تعریف واجب الوجود بالغیر را به درستی بیان می کند؟ (خارج 99)

1-چیزی که بر حسب ذات خود ممکن الوجود است

2-ماهیتی که چیستی خود را از علت دریافت می کند

3-موجودی که ضرورت وجود او از ناحیه دیگری است

4-ماهیتی که وجوب خود را از ماهیت دیگری می گیرد

11- پدیده a کدام یک از موارد باشند تا بتوانیم بگوییم از حالت امکان ذاتی به حالت وجوب بالغیر رسیده است؟ (سراسری 1400)

1-a ساختمانی در ذهن یک معمار است

2-a نهال یک بذر است که باغبان می خواهد آن را بکارند

3-a خاکستر چوبی است که قرار است در آتش انداخته شوند

4-a حرکت مژگان چشم است زمانی که پلک ها حرکت می کنند

12-رابطه میان موضوع و محمول در قضایای «برخی دانشجویان دیپلمه نیستند» و «استوانه وزن ندارد» به ترتیب کدام است؟(سراسری 1401)

1-امکانی- امکانی 2-امکانی- وجوبی 3-امتناعی- امتناعی 4-امتناعی- وجوبی

درس 2

1- گزینه سه 2- گزینه سه 3- گزینه دو 4- گزینه چهار (در اصول عقلائی فلسفی رابطه ضروری برقرار است) 5-
گزینه سه (ممتنع الوجود مصداق ندارد) 6-گزینه سه 7- گزینه سه 8- گزینه دو 9- گزینه سه 10- گزینه سه 11-
گزینه چهار 12- گزینه دو